

نقد «نهج الحیاة،

یا فرهنگ

سخنان فاطمه (س)»

محمد روحانی علی آبادی

کتاب «نهج الحیاة، یا فرهنگ سخنان فاطمه (س)» در سال ۱۳۷۲ توسط جناب حجة الاسلام محمد دشتی و جمعی از پژوهشگران مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع) و با حمایت اقتصادی بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، پس از شش سال تلاش به چاپ رسید و در زمان کوتاهی، چند نوبت تجدید چاپ شد. این جانب در سال ۱۳۷۳ نقدی بر این کتاب نگاشتم و نام آن را «صدها غلط در یک کتاب» نهادم؛ ولی چون در همان ایام جناب دشتی را در تهران ملاقات کردم و برخی ضعفها را یادآور شدم، از نشر آن نوشته خودداری نمودم. امروز با گذشت چهار سال، چون مشاهده می‌کنم که در چاپهای بعدی کتاب هیچ اصلاحی صورت نگرفته، و از سویی این کتاب با اقبال عمومی مواجه شده و منشأ برداشتهای غلط بسیاری شده است، لذا بخشی از آن نقد دراز دامن را بازنویسی کرده‌ام و به این امید که برای جناب دشتی و همکاران ایشان و همچنین پژوهشیان جوان مفید واقع شود، آن را تقدیم می‌کنم.



نکته اول. گفته اند: در «نهج الحیاء» تلاش کردیم تا روایت و محدثان یک روایت را ثبت کنیم که برای اهل تحقیق، امری ضروری است و برای تشخیص صحت احادیث، سرنوشت ساز می باشد (ص ۱۰). در جای دیگر از مقدمه گفته اند: برای گزینش و انتخاب روایات، از روش «جرح و تعدیل» حوزه های علمیّه استفاده گردید (ص ۱۱).

اینکه بررسی سند روایات، ضروری و سرنوشت ساز است، سخنی صواب است؛ اما در «نهج الحیاء»، به هیچ رو، به این ضروری پایبند نبوده اند. در یک نمونه گیری از پنجاه حدیث اول و پنجاه حدیث آخر کتاب، معلوم شد که حدود ۴۵ درصد روایات «نهج الحیاء»، فاقد سند است و یا نویسنده از ذکر اسناد آنها خودداری کرده است.

در پنجاه روایت اول کتاب، روایات ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵ و ۴۶ فاقد سند هستند؛ یعنی چهل و نه درصد روایات.

در پنجاه روایت آخر کتاب نیز روایات ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۸، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲ و ۲۱۳ فاقد سند هستند؛ یعنی چهل درصد روایات.

در دورانی که اغلب علمای ما آموخته و عادت کرده اند که -گرچه اخباری نیستند، ولی- در احادیث مربوط به ائمه (ع) به شیوه اخباریان عمل می کنند و از سند و احوال رجال کلاً غفلت می کنند، جای بسی خوشوقتی است که بخواهیم به این واجب دینی که برخاسته از آیه شریف «نبا» است عمل کنیم و در این باره از «روش جرح و تعدیل حوزه های علمیّه» سود ببریم؛ اما با مطالعه احادیث سنددار «نهج الحیاء» معلوم می شود که در آنها هیچ اثری از کار رجالی و تحقیق سندی نیست.

سندی را که در صفحه ۲۱ و در ذیل حدیث ۲ آورده اند با هم مرور می کنیم. در این سند، هفت راوی وجود دارند که پنج تن از آنها (یعنی عمر بن سهل بن اسماعیل دینوری، زید بن اسماعیل صانغ، معاویه بن هشام، عبدالملک بن عمیر و خالد بن ربیع)، ضعیف و مجهول و ناشناخته هستند. توجه شما را به جدول زیر که درباره پنجاه حدیث اول



کتاب- آن هم با تسامح و تساهل- تهیه کرده ام، جلب می کنم:

تذکرات	وضع سند	حدیث	صفحه
به دلیل وجود جعفر بن محمد بن عماره، محمد بن عماره، و رجلان من بنی هاشم	ضعیف	۱۳	۳۶
به دلیل وجود عثمان بن عمران عجفی، و نائل بن نجیح	ضعیف	۱۳	۳۶
به دلیل وجود عبدالله بن ضحاک، عاصم بن عمرو، و محمود بن لید	ضعیف	۱۶	۳۹
به دلیل وجود جعفر بن محمد مکی، عبدالله بن اسحاق مدائنی، و محمد بن زیاد	ضعیف	۲۴	۴۶
به دلیل وجود محمد بن عبدالعباس، احمد بن عبدالرحمان، محمد بن سلیمان بن بزیع، و جمیع بن مبارک	ضعیف	۲۸	۵۰
به دلیل وجود جعفر بن محمد علوی، محمد بن علی بن خلف	ضعیف	۳۲	۵۹
به دلیل وجود عیسی الضریح	ضعیف	۳۵	۶۳

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نکته دوم. محققان «نهج الحیاه» در اجرای شش ملاکی که برای گزینش احادیث مورد استفاده قرار داده اند، روایاتی را که مخالف «عقل مستفاد از قرآن و حدیث» بوده حذف کرده اند.

عقل مستفاد از قرآن و حدیث یعنی چه؟ عقلی که ملاکِ سنجش روایات در علم درایه و تحلیل متن است «عقل مستقل» است؛ یعنی اگر روایتی با «مستقلات عقلیه» یا «مسلمات عقلیه» مخالف باشد، از درجه اعتبار ساقط است و این، ملاکی اصیل و در عین حال مورد تاکید قرآن کریم است؛ اما ضمن آنکه در مقصود مؤلف «نهج الحیاه» از تعبیر «عقل مستفاد از قرآن و حدیث» حیرانم، ولی تردید ندارم که این پدیده- هرچه که باشد- عقل مستقل نخواهد بود و در این صورت، چگونه می تواند ملاک نقد و ارزیابی روایات باشد؟



نکته سوم. جناب دشتی تعداد سخنان فاطمه (س) را در این کتاب، ۲۱۳ مورد دانسته‌اند. در حالی که تعداد آنها در واقع به نصف این مقدار هم نمی‌رسد؛ زیرا احادیث (۸ و ۹ و ۱۰)، (۱۰ و ۲۱)، (۱۸ و ۱۹)، (۱۴ و ۵۷ و ۶۰)، (۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹)، (۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵)، (۴۰ و ۴۱ و ۴۲)، (۸۹ و ۹۰)، (۶۸ و ۶۹ و ۷۰ تا ۷۵) همگی یک روایت هستند.

نکته چهارم. مؤلف کتاب، مصادری غیر واقعی را برای احادیث معرفی کرده است؛ به عنوان نمونه مصادری را که برای خطبه حضرت فاطمه (س) در مسجد مدینه معرفی کرده، ۶۴ مأخذ است. در حالی که سه مورد آن، مکرر و ۲۵ مورد آن، غیر واقعی است و متن خطبه حضرت فاطمه (س) در مسجد مدینه، در این ۲۵ کتاب وجود ندارد؛ یعنی حدود ۴۸ درصد مصادر این مورد، غیر واقعی است؛ چرا که محققان «نهج الحیاة»، مصادر احادیث این کتاب را خود ندیده‌اند؛ بلکه فهرست مصادر را از جای دیگر برداشته و بدون مطالعه و تطبیق، عیناً نقل کرده‌اند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نکته پنجم. ثبت نادرست اسامی مصادر و منابع که تعداد خیلی از آنها را در ذیل یادآور می‌شوم:

نام صحیح آن	نام ذکر شده در کتاب	صفحه
کنز العمال	کنز العامل	۱۸
ارشاد القلوب	ارشاد القلوب	۳۴
عوالم العلوم	عوالم المعارف	۴۰
سنن ابن ماجه	کتاب ابن ماجه	۵۵
السیرة النبویة	السیر والنبویة	۶۶
احتجاج طبرسی	احتجاج طبری	۱۴۶ و ۲۴۳



المراجعات	المراجعات	۷۸
اللمعة البيضاء	اللمعة البيضاء	۲۴۷
السيرة النبوية	سيرة نبوی	۱۹۰
تذكرة الخواص	تذكرة خواص	۱۸۰
فتوح البلدان	فتح البلدان	۱۷۸
شفاء المرام	شفاء الغرام	۱۷۷
صفة الصفوة	صفوة الصفوة	۱۶۵
الثالثي المصنوعة	كتاب لثالي	۱۱۸
عيون الاثر	عيوان الاثر	۱۹۰
اعلام النساء	اعلام انساء	۱۹۰
عيون الاخبار	عيوان الاخبار	۱۹۰
الفتاوى الفقهية	فتاوى الفقه	۱۹۴
عيون التواريخ	عيوان التواريخ	۲۰۰
مرآة المؤمنين	مرآة المؤمنين	۱۸۰
تذكرة ابن جوزي	تذكرة ابن الجوزة	۲۹۸
مستدرک حاکم	مستدرک ابن بطريق	۱۶۱
رشفة الصادى	رشفة الصاوى	۲۶۲

تعداد این گونه اغلاط ، بیش از سیصد مورد است .

نکته ششم . ثبت نادرست تاریخ وفات عالمان و نویسندگان . تعداد خیلی از این اغلاط را در جدول ذیل می آورم :



صفحه	نام دانشمند	تاریخ ذکر شده در کتاب	تاریخ صحیح و واقعی
۱۱۷	طبری امامی	۴۰۰هـ	قرن ۴ و ۵هـ
۱۱۷	خطیب بغدادی	۴۸۳هـ	۴۶۳هـ
۱۱۸	ابن اثیر جزری	۲۷۰هـ	۶۳۰هـ
۱۱۸	ابن حجر عسقلانی	۲۷۰هـ	۸۵۲هـ
۱۱۹	شیخ مفید	۲۷۰هـ	۴۱۳هـ
۱۱۹	ابن عبدالبر قرطبی	۲۷۰هـ	۴۶۳هـ
۱۱۹	ابن کثیر دمشقی	۲۷۰هـ	۷۷۴هـ
۱۱۹	ابن اعثم کوفی	۲۷۰هـ	۳۱۴هـ
۴۱۵	ابن حجر عسقلانی	۲۵۸هـ	۸۵۲هـ
۱۱۸	سید مرتضی	۲۷۰هـ	۴۳۶هـ
۱۱۸	زمخشری	۲۷۰هـ	۵۳۸هـ
۴۱۷	حاکم نیشابوری	۲۵۸هـ	۴۰۵هـ
۴۱۰	طبری صغیر	۶۹۴هـ	ق ۴ و ۵هـ
۱۱۸	مسلم	۶۷۹هـ	۲۶۱هـ
۴۰۵	صدوق	۳۸۰هـ	۳۸۱هـ
۴۰۷	ابن جوزی	۴۵۴هـ	۶۵۴هـ
۴۱۰	بیهقی	۵۶۹هـ	۴۵۸هـ
۴۱۹	علامه قندوزی	۱۲۷هـ	۱۲۹۴هـ
۴۱۹	سمهودی	۱۱۰۴هـ	۹۱۱هـ
۱۱۸	ذهبی	۲۷۳هـ	۷۴۸هـ
۱۱۸	میرزا حسین نوری	۲۷۳هـ	۱۳۰۲هـ



من فقط دو بخش کوتاه از کل کتاب را در این موضوع، مورد بررسی قرار دادم که حاصل آن را ملاحظه کردید.

نکته هفتم. ارائه نشانی های ناقص که تعداد آنها بالغ بر دویست مورد است و برخی از آنها را متذکر می شوم:

صفحه	نشانی ارائه شده	دلیل انتقاد
۱۱۸	الاصابه، ص ۶۱	در کدام جلد؟
۱۱۹	الاستیعاب، ص ۳۷۷	در کدام جلد؟
۲۷۰	مسند الفردوس دیلمی	در کدام جلد و صفحه؟
۲۷۰	شعب الایمان بیهقی	در کدام جلد و صفحه؟
۲۶۷	مرآة العجنان یافعی، ص ۶۱	در کدام جلد؟
۲۵۵	کافی، ج ۴، باب الفیء	در کدام صفحه؟
۲۵۳	أعیان الشیعه، ص ۳۱۴	در کدام جلد؟
۲۵۳	الشافی، ص ۴۰۸	در کدام جلد؟
۲۵۳	کتاب سلیم	در کدام صفحه؟
۲۵۲	الطرائف	در کدام جلد و صفحه؟
۲۵۳	تاریخ عباسی	در کدام صفحه؟
۲۴۲	سنن ترمذی، ص ۴۴	در کدام جلد؟
۲۴۲	سنن نسائی، ص ۵۲ و ۵۳	در کدام جلد؟
۲۴۲	صحیح مسلم، ص ۴۹ و ۵۳	در کدام جلد؟
۲۳۵	تفسیر کشاف	در کدام جلد و صفحه؟
۲۲۳	الخراج والجرانح	در کدام جلد و صفحه؟
۲۰۳	الهدایة الکبریٰ	در کدام صفحه؟



اینها در حالی است که در مقدمه کتاب، گفته شده که تمام منابع شیعه و سنی دیده شده و نشانی دقیق احادیث ارائه گردیده است. هر محقق می داند که باید نشانی دقیق اقوال و احادیث ذکر شود تا مراجعه مستقیم برای خواننده امکان پذیر باشد.

نکته هشتم. اشتباه فاحش در معرفی نویسندگان. برخی از این اشتباهات را به عنوان نمونه، یادآور می شوم:

صفحه	معرفی انجام شده	معرفی صحیح نویسنده
۱۱۷	کفایة الطالب : دارقطنی	گنجی شافعی
۱۱۸	مختصر تنزیه الشریعه : علی بن محمد بن عراق	صالح بن یوسف معتوق
۲۶۳	جامع الاصول : جاحظ	ابن اثیر جزری (۶۰۶هـ)
۱۱۹	کتاب سلیم بن قیس : ابن عبدربه	سلیم بن قیس هلالی
۶۵	المتقی : علامه ذهبی	ابن تیمیه
۴۱۵	کنز جامع الفوائد : کراجکی	سید علی نجفی
۴۱۷	مصابیح السنه : بغوری	بغوی
۴۱۸	مناقب آل ابی طالب : ابن مغزلی	ابن شهر آشوب
۴۱۹	لثالی الاخبار : سیوطی	کتاب سیوطی «الثالی المصنوعه» است
۹۰	وفاء الوفاء : سمودی	سمودی
۹۱	آل محمد : سلیم بن قیس هلالی	علامه مردی حنفی
۴۰۷	التاریخ الکبیر : ابن عساکر	بخاری (۲۵۶هـ)
۴۱۰	روضه الواعظین : علامه نوری	ابن فتال فارسی نیشابوری
۴۱۱	سنن نسائی : سیوطی	عبدالرحمان نسائی
۴۱۳	العثمانیه : ابوعثمان لیثی	جاحظ
۴۱۷	مرآة الجنان : الیافه ای	الیافعی
۴۱۸	مفتاح النجا : علامه بدختی	بدخشی
۴۱۶	مناقب الاخیار : علامه بستوی	ابن اثیر



نکته نهم. عدم نقل حدیث از مصادر اولیه، در حالی که اکثر آنها چاپ شده و در دسترس است. شواهد و قرائن، نشان می‌دهند که جناب دشتی از دو اثر گرانقدر شیعه یعنی «احقاق الحق» قاضی نورالله شوشتری و ملحقاتش و تحقیق «عوامل العلوم» (ج ۱۱) که توسط استاد موحد ابطحی انجام شده، نهایت بهره را برده و لذا در بسیاری از موارد به ماخذ اصلی حدیث مراجعه نکرده‌اند. نخستین شاهد برایین مدعا آن است که ترتیب وقوع مصادر در پاورقی برخی احادیث، عین ترتیب وقوع مصادر در پاورقی «عوامل العلوم» یا «احقاق الحق» است. نکته دیگری که این ادعا را تأیید می‌کند آن است که همان اشتباهاتی که در پاورقی آن دو کتاب وارد شده، عیناً در «نهج الحیاة» نیز دیده می‌شود. به مثال زیر که درباره مصادر حدیث ۹۹ است توجه کنید:

صفحه	متن پاورقی در «عوامل العلوم»	متن پاورقی در «نهج الحیاة»	آنچه صحیح است
۱۷۷	الاتحاف، ج ۱، ص ۲۹۶	عیناً همان پاورقی «عوامل»	الاتحاف، ج ۱۰، ص ۳۹۶
۱۷۷	الجمع بین رجال الصحیحین، ج ۲، ص ۶۱۱	عیناً همان پاورقی «عوامل»	الجمع بین رجال...، ج ۱، ص ۶۱۱
۱۷۸	جامع الاصول، ج ۱، ص ۸۶	عیناً همان پاورقی «عوامل»	جامع الاصول، ج ۱۰، ص ۸۶
۱۷۸	جامع الصغیر، ح ۲۱۰۳۲	عیناً همان پاورقی «عوامل»	الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۵۲۵

به عنوان نمونه دیگر، حدیث شماره ۱۴۱ (ص ۲۳۳) را یادآور می‌شوم که در آن ترتیب وقوع مصادر، عین ترتیب وقوع مصادر در «احقاق الحق» (ج ۱۰، ص ۴۳۹ به بعد) است، و همین طور است احادیث ۱۶۱ و ۱۶۲ و ...

از آنچه گذشت، کاملاً آشکار می‌شود که برخلاف آنچه مؤلف در مقدمه گفته است، برای به دست آوردن احادیث این کتاب، به مصادر اصلی شیعه و سنی مراجعه نشده؛ بلکه احادیث غالباً از منابع و جوامع متأخر اخذ شده است. با وجود این متعجبیم که چگونه کار فراهم آوردن این کتاب، با وجود همکاران فراوان، شش سال طول کشیده است!

نکته دهم. سخنانی را به حضرت فاطمه (س) نسبت داده‌اند که از ایشان نیست.

به عنوان نمونه، حدیث ۸۲ (ص ۱۵۲) را یادآوری می‌کنم. در این حدیث آمده است:



قالت: إن في الجمعة لساعة لا يوافقها رجل مسلم يسأل الله عز وجل فيها خيراً إلا أعطاه إياه.

از لفظ «قالت» معلوم می شود که این حدیث از حضرت فاطمه (س) است و جناب دشتی برای اینکه صدور این حدیث را به حضرت فاطمه (س) مستند کند، حتی در سند روایت که در پاورقی صفحه ۱۵۲ آورده، تصرف نموده و آن را چنین نقل نموده است:

معانی الاخبار: ...، عن زیدبن علی، عن آبائه، عن فاطمة -عليهم السلام-

در حالی که در «معانی الاخبار» (ص ۳۹۹، رقم ۵۹) سند این حدیث، چنین است:

...، عن زیدبن علی، عن آبائه، عن فاطمة، قالت، سمعت النبي (ص) قال: إن في الجمعة ...

چنانکه مشاهده می شود، مؤلف «نهج الحیاة»، لفظ «سمعت النبي (ص) قال:» را حذف نموده و سخن پیامبر را مستقیماً به فاطمه (س) نسبت داده است. همین سند در «دلائل الامامة» (ص ۵) -که مؤلف «نهج الحیاة» از آن نقل می کند- نیز چنین آمده است:

عن زیدبن علی، عن آبائه، عن فاطمة ابنة النبي (ص) قالت، سمعت النبي (ص) يقول: ...

حدیث ۲۶ نیز عیناً همین وضع را دارد؛ در حالی که حدیث مذکور، قطعاً منتسب به رسول خداست که آن را از جبرئیل نقل کرده است (دلائل الامامة، ص ۷).

عین همین تصرف در حدیث ۲۹ نیز تکرار شده است. در منبع حدیث (الذرية الطاهرة، ص ۱۳۸، رقم ۱۷۲) آمده است:

... عن فاطمة بنت رسول الله قالت، قال رسول الله (ص): لا يلومن إلا نفسه ...

همین طور است حدیث ۲۱۰ این کتاب و احادیث بسیار دیگر که جهت خودداری از اطالة کلام، از پرداختن به همه آنها احتراز می نمایم.

نکته یازدهم. یکی دیگر از نواقص عمده کار جناب دشتی در این کتاب، عدم گردآوری دعاها، اذکار، تسبیحات، نمازها، تعویذها و حرزهای حضرت فاطمه (س) است که مجموع آنها بالغ بر شصت مورد است. در این باره، کتاب «صحيفة الزهراء» تألیف جواد قیومی اصفهانی وجود دارد



که جناب دشتی خوانندگان را به این کتاب ارجاع داده اند؛ ولی اولاً: در «صحیفه الزهراء» فقط سی و هفت ذکر و نماز آمده است؛ ثانیاً یک تحقیق جامع که بر روی آن نام «فرهنگ سخنان» گذارده شده، نباید از انجام این کار سرباز می زد و «نهج الحیاة» را با این نقص به پایان می رساند.

نکته دوازدهم. عدم استفاده از منابع شیعه در حدّ مطلوب:

علت توجه بیشتر «نهج الحیاة» به منابع اهل سنت - که البته اشکالی هم ندارد - آن است که درباره این دسته منابع، چند ماخذ اساسی مانند «احقاق الحق» و ملحقاتش، مستدرکات (جلد ۱۱) «عوامل العلوم»، «مسند سیوطی» و «فضائل الخمسة» وجود داشته و لذا محققان کتاب، به راحتی توانسته اند با استفاده از آنها به روایات منابع اهل سنت درباره فاطمه (س) دست یابند (به بحث نهم این مقاله مراجعه کنید)؛ ولی چون برای کتابهای شیعه چنین معجمهایی وجود ندارد، لذا به ندرت توانسته اند از منابع شیعه استفاده نمایند و این امر، نقص بزرگی برای «نهج الحیاة» محسوب می شود.

نکته سیزدهم. در مصادر حدیث ۵۷ گفته اند:

۶- کتاب کشف الغمّه: اربلی (ت ۶۸۹ هـ)

۳۸- کشف الغمّه: مرحوم اربلی

در حالی که هر دو کتاب، یکی است و از طرفی، محقق ابوالفتح اربلی نیز متوفای ۶۹۴ هـ است.

در مصادر همین حدیث آمده است:

۳۱- کتاب امالی: شیخ صدوق

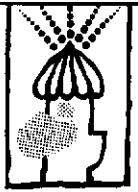
۵۷- مجالس شیخ صدوق

در حالی که هر دو کتاب، یکی است.

همچنین آمده است:

۳۴- مجالس مفید

۴۶- امالی مفید



در حالی که هر دو کتاب، یکی است.

و نیز آمده است:

۴- کتاب سقیفة جوهری

۲۱- کتاب فدک جوهری.

در حالی که این دو نیز یک کتاب به نام «السقیفة و فدک» است. از این گونه اشتباهات، دهها مورد در کل کتاب و فهرست و منابع وجود دارد.

نکته چهاردهم. جناب دشتی در مقدمه کتاب فرموده اند که احادیث «نهج الحیة» را از منابع و مصادر اولیه اخذ نموده اند؛ در حالی که بایک مرور سطحی در مصادر احادیث «نهج الحیة» معلوم می شود که بسیاری از آنها را از مصادری چون «ریاحین الشریعة»، «بیت الاحزان»، «الکوکب الدرئی»، «الجنة العاصمة»، «مستدرک الوسائل»، «وقایع الایام» خیابانی، «نفاس اللباب»، «الغدیر» و ... برگرفته اند، و خوانندگان مطلع هستند که این مصادر را «اولیه» نمی گویند.

نکته پانزدهم. در اعراب گذاری احادیث، دقت کافی مبذول نشده و اغلاط زیادی در این زمینه وجود دارد.

نکته شانزدهم. فهرست منابع و مصادر کتاب، دقیق تنظیم نشده و در آن، به نام کتاب و نویسنده اکتفا شده و البته در بیش از ده مورد، حتی نام نویسنده نیز نیامده و در چندین مورد نام کتابها به طور مکرر آمده است، و همین طور تاریخ وفات نویسندگان در دهها مورد به طور ناصحیح ذکر شده است. در یک کار تحقیقی در این سطح، لازم بود که فهرست منابع کاملتر شود.

همان طور که در ابتدای نوشته یادآور شدم، این نقد را به اختصار برگزار کرده ام که در غیر این صورت، نقد، به درازا می کشید و ملال آور می گردید.

در خاتمه، ضمن دعای خیر برای جناب دشتی و همکارانشان، امیدوارم که هرچه زودتر شاهد اصلاح اغلاط «نهج الحیة» - که کتابی پر خواننده است - باشیم.